

**واکاوی ارتباط‌های چهارگانه**

**در شعر قیصر امین پور**

**(نخالت، خود، خلق، خلقت)**

**فاطمه کریمی دمنه**

سرشناسه: کریمی دمنه، فاطمه، ۱۳۷۷-

عنوان و نام پدیدآور: واکاوی ارتباط‌های چهارگانه در شعر فیض امین‌پور  
(خالق، خود، خلق، خلقت) / فاطمه کریمی دمنه.

مشخصات نشر: گفتمان اندیشه معاصر، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۴، ۲۳۳ ص: مصور: ۵/۱۲ × ۵/۲۱ م.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۹۱-۲۹-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابخانه: ص. ۲۳۲ - ۲۴۰.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۳ -- تاریخ و نقد

th century -- History and criticism Persian poetry --

موضوع: امین پور، فیض، ۱۳۳۸-۱۳۸۶ -- نقد و تفسیر

موضوع: ارتباط در ادبیات

Communication in literature

رده بندی کنگره: ۸۶۱

رده بندی دیویی: ۸۷۱/۸۸۶

شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۸ ۹۸



گفتمان اندیشه معاصر

۰۹۱۲۲۵۱۳۲۲۸

[gofteamani@yahoo.com](mailto:gofteamani@yahoo.com)

ارتباط‌های چهارگانه در شعر فیض امین‌پور

فاطمه کریمی دمنه

خالق، خود، خلق، خلقت

ناشر: گفتمان اندیشه معاصر

شمارگان: ۲۰۰ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۹۱-۴۹-۰

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳ قیمت: ۳۴۰۰۰ تومان

ISBN : 978-622-5891-49-0



9 786225 691490

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                                          |
|------|------------------------------------------------|
| ۱۱   | مقدمه                                          |
| ۱۶   | پیشینه‌ی ارتباط‌های چهارگانه از گذشته تا امروز |
| ۱۹   | فصل اول:                                       |
| ۱۹   | ارتباط با خالق                                 |
| ۲۰   | ۱-۱ رابطه انسان با خدا / رابطه‌ی خدا با انسان  |
| ۲۲   | ۱-۲ نمودهای ارتباط انسان با خدا                |
| ۲۲   | ۱-۲-۱ عاشق/مشوق                                |
| ۲۸   | ۱-۲-۱-۱ نتایج عشق به خدا                       |
| ۲۸   | ۱-۲-۱-۱-۱ شهادت/کمال/بهاور/انگی                |
| ۴۴   | ۲-۲-۱ رابطه عبد/مولا                           |
| ۴۹   | ۱-۲-۲-۱ نتایج رابطه عبد و مولا                 |
| ۴۹   | ۱-۲-۲-۱-۱ رسیدن به آرامش و ارتباط قوی با خدا   |
| ۵۱   | ۱-۲-۲-۱-۲ تحمل درد و رنج به واسطه امر قدسی     |
| ۵۴   | ۳-۲-۲-۱-۳ دوری از گناه به عنوان مایه درد و رنج |
| ۵۷   | ۴-۲-۲-۱-۴ ستیز با تظاهر به دین‌داری و دورویی   |
| ۵۶   | فصل دوم:                                       |
| ۵۶   | ارتباط با خود                                  |
| ۶۰   | ۱-۲ مقدمه                                      |
| ۶۵   | ۲-۲ مفهوم ارتباط با خود                        |

- ۲-۳ مفهوم شناسی خود و نفس ..... ۶۸
- ۲-۴ دسته بندی نموده‌های رابطه انسان با خود ..... ۷۴
- ۲-۴-۱ خود شناسی با رویه امر قدسی و سویه درد و رنج ..... ۷۴
- ۲-۴-۲ خودشناسی با سویه ترس ..... ۸۱
- ۲-۵ ساحت های مختلف زندگی انسان ..... ۸۱
- ۲-۵-۱ زندگی با سویه انتظار، ترس، تردید و سرگردانی ..... ۸۱
- ۲-۵-۲ زندگی با سویه ی درد و رنج ..... ۸۴
- ۲-۵-۳ زندگی با رویه بازی ..... ۱۱۲
- ۲-۵-۴ زندگی با رویه میل ..... ۱۱۴
- ۲-۵-۴-۱ میل و آرمان ..... ۱۱۴
- ۲-۵-۴-۲ میل به تنهایی ..... ۱۱۵
- ۲-۵-۴-۳ میل به جاودانگی ..... ۱۱۶
- ۲-۵-۵ زندگی با رویه امید ..... ۱۱۷
- ۲-۵-۶ زندگی با سویه مرگ ..... ۱۱۹
- ۲-۵-۷ زندگی با سویه گذرا بودن ..... ۱۲۱
- ۲-۵-۸ زندگی با سویه عشق ..... ۱۲۱
- ۲-۳-۱-۱ عشق با سویه انتظار و فراق ..... ۱۳۱
- ۲-۳-۲-۲ عشق با سویه ترس ..... ۱۳۲
- ۲-۳-۳-۲ عشق با سویه درد و رنج ..... ۱۳۳
- ۲-۳-۴-۲ عشق با سویه زیبایی ..... ۱۴۳

|          |                                       |
|----------|---------------------------------------|
| ۱۴۶..... | ۲-۳-۵ عشق با سویه حیرت                |
| ۱۴۹..... | ۲-۳-۶ عشق با سویه کمال گرایی          |
| ۱۵۱..... | ۲-۳-۷ عشق با سویه جبر                 |
| ۱۵۳..... | ۲-۳-۸ عشق با سویه امید به زندگی       |
| ۱۵۳..... | ۲-۳-۹ عشق با سویه تردید               |
| ۱۵۵..... | ۶-۲ آثار و نتایج ارتباط با خود        |
| ۱۵۵..... | ۲-۶-۱ باروی روح انسانی                |
| ۱۶۳..... | ۲-۶-۲ پی بردن به معنای زندگی          |
| ۱۶۵..... | ۲-۶-۳ آموختن زندگی در دوران کودکی     |
| ۱۶۵..... | ۲-۶-۴ یافتن هدف زندگی                 |
| ۱۸۳..... | فصل سوم:                              |
| ۱۸۳..... | ارتباط با خلق                         |
| ۱۷۰..... | ۱-۳ مقدمه                             |
| ۱۷۱..... | ۲-۳ رفتار با مردم از دید قرآن         |
| ۱۷۳..... | ۳-۳ شکل های ارتباط                    |
| ۱۷۳..... | ۱-۳-۳ خانواده                         |
| ۱۷۹..... | ۲-۳-۳ جامعه                           |
| ۱۸۸..... | ۴-۳ آثار و نتایج ارتباط با خلق        |
| ۱۸۸..... | ۱-۴-۳ صلح                             |
| ۱۸۹..... | ۲-۴-۳ استقامت، صبر، ایثار و ظلم ستیزی |

|          |                                     |
|----------|-------------------------------------|
| ۱۹۶..... | ۳-۵ عوامل بازدارنده ارتباط با خلق   |
| ۱۹۶..... | ۳-۵-۱ عدم مسئولیت پذیری             |
| ۱۹۶..... | ۳-۵-۲ دورویی و ظلم                  |
| ۱۹۸..... | ۳-۵-۳ حسادت                         |
| ۱۹۹..... | ۳-۵-۴ مشکلات روحی و روانی/درد و رنج |
| ۲۰۳..... | فصل چهارم:                          |
| ۲۰۳..... | ارتباط با جهان خلقت                 |
| ۲۰۴..... | ۱-۴ مقدمه                           |
| ۲۰۵..... | ۲-۴ قیصر و شخوفای طبیعت             |
| ۲۰۷..... | ۳-۴ قیصر و پرندگان                  |
| ۲۰۹..... | ۴-۴ قیصر و درختان                   |
| ۲۰۹..... | ۵-۴ قیصر و آسمان                    |
| ۲۱۰..... | ۶-۴ آثار و نتایج ارتباط با خلقت     |
| ۲۱۰..... | ۱-۶-۴ شناخت خدا از طریق طبیعت       |
| ۲۱۵..... | ۲-۶-۴ طبیعت ابزاری برای بیان غم     |
| ۲۱۶..... | ۳-۶-۴ طبیعت ابزاری برای بیان حسرت   |
| ۲۱۷..... | ۶-۶-۴ طبیعت و خاطره پردازی          |
| ۲۱۸..... | ۶-۶-۴ طبیعت و زندگی                 |
| ۲۲۰..... | نتیجه گیری                          |
| ۲۲۷..... | منابع و مآخذ (فارسی و غیر فارسی)    |

## مقدمه

از دیرباز حکیمان گفته‌اند که «الانسان مدنی بالطبع» (مهاجرنیا، ۱۳۸۰: ۵۲) لازمه این مدنیت، ارتباط است. مقدمه ارتباط را می‌توان در دو سطح مادی و غیر مادی دسته بندی نمود. ارتباط مادی آدمی عمدتاً برای رفع نیازهای او شکل می‌گیرد. اما ارتباط معنوی وی برای غنای روح و جان آدمی است. از این منظر ارتباط‌های چهارگانه را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱) ارتباط انسان با خالق: فطرت خداجوی انسان او را به سمت خالق می‌کشاند و به صورت ذاتی در پی وصال با معبود است. هر آنچه در جهان آفریده شده، نیز به همین سطر است. در طی این مسیر گاه موانعی بین آدمی و خالق فاصله ایجاد می‌کند که باعث آشفتنگی روح و سرگردانی او می‌شود. به همین دلیل است که سیرانا می‌گوید: «کز نیستان تا مرا ببریده اند/ در نفیرم مرد و زن نالیده اند» (مولوی، دفتر اول: ۲) ارتباط آدمی با خالق گاه عاشقانه، گاه عبادانه است. می‌توان مهم‌ترین و اصلی‌ترین جلوه ارتباط انسان با معبود را «عبادت» معرفی کرد.

(۲) ارتباط انسان با خود: انسان دارای ساحت‌های وجودی متعددی است و ارتباط با خود می‌تواند از طریق معرفت النفس، شناخت ساحت‌ها و امکانات و اهداف زندگی شکل بگیرد. دین اسلام انسان را به تفکر درباره خود وا می‌دارد. این موضوع مسئله مهمی در آموزه‌های دینی ائمه اطهار است. کسی که بتواند به درستی خودش را بشناسد می‌تواند به شناخت خالق برسد؛ بنابراین ارتباط با خود به این جهت که انسان را در ارتباط با خالق موفق می‌سازد، حائز اهمیت است.

توجه به عاطفه و احساسات خود، پلی است که انسان را به دنیای وسیع درون خود پیوند می‌دهد و به سمت شناخت بهتر خود رهنمون می‌سازد تا بتواند اهداف آفرینش را محقق سازد. ساحت عواطف احساسات و هیجانات یکی از ساحت‌های پنجگانه وجودی انسان در حوزه نفسانی در کنار ساحت عقیدتی- معرفتی، ارادی (خواسته‌ها و نیازها)، گفتار و کردار است. که در حوزه خلاقیت‌های هنری و ادبی مهم ترین ساحت نفسانی به شمار می‌آید. نمونه عواطف ناظر بر امور محبوب و معشوق شامل دل‌بستگی، صمیمیت، التزام، شور و شیدایی، عشق دهنده یا آگاه، قدردانی، شفقت، همدلی، نیک خواهی، ترحم و شیفستگی است یا عواطف ناظر بر خوبی شادی، آرامش، آسودگی و رضایت است و عواطف ناظر بر چشم داشت شامل امید و انتظار است. (گرجی، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۲)

سرانجام انسان در سایه شناخت خود می‌تواند به شناخت خالق و سایر آفریدگان جهان دست پیدا کند.

(۳) ارتباط انسان با خلق: آدمی از آغاز خلقت تا کنون برای برطرف کردن نیاز هایش، محتاج برقراری ارتباط با هم‌نوعان خود بوده است. در ابتدا روابط بسیار سطحی و ابتدایی بودند و به مرور زمان پیشرفته و پیچیده شدند. هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که در طول زندگی افکار، باورها و نگرش هایش نسبت به موضوعات مختلف ثابت مانده باشد، و تحت تأثیر تحولات روانی و اجتماعی تغییر نکرده باشد. قیصر در زندگی خویش تحولات اجتماعی بزرگی را پشت سر گذاشته است. از شکل‌گیری انقلاب، جنگ و تحولات عمیق اجتماعی و سیاسی پس از جنگ را تا سال ۱۳۸۶ با تمام وجود درک کرده است و این مسائل بر تفاوت نوع نگرش وی تأثیر داشته است. (گرچی و موسوی، ۱۳۹۳: ۱۸)

(۴) ارتباط انسان با خلقت: در اندیشه الهی انسان در طبیعت از آن منظر که آفریده خداوند هستند، رابطه‌ای دو سویه خواهد داشت. به این معنا که آدمی با تأمل در هستی می‌تواند زمینه رشد و تعالی خویش را فراهم کند. در این جغرافیای بینشی، این آیه قرآن قابل طرح است: «الذی خلق سبع السماوات طباقاً من فوق فی خلق الرحمن من تفاوتٍ من البصر هل تری من فطور: آن هفت آسمان را بر فراز یک دیگر آفرید. در آفرینش [خدای] رحمان، خلل و نابه سامانی

و ناهمگونی نمی‌بینی، پس بار دیگر بنگر؛ آیا هیچ خلل و نا به سامانی و ناهمگونی می‌بینی؟» (ملک: ۳). همچنین در همین راستا سجادی می‌گوید: «انسان عضو فعال، مؤثر و مورد عنایت در این جهان است و با هستی داد و ستد پیگیر دارد. او با چنین تعاملی زمینه صعود و سقوطش را فراهم می‌آورد.» (سجادی، ۱۳۸۸: ۴) قرآن انسان را وادار می‌کند که به طبیعت با سه چشم داشت نگاه کند: از زیبایی آن لذت ببرد از منافع آن بهره مند شود و از هویت اشاره‌های آن در راستای تثبیت عقیده خود استفاده نماید. طبیعی است که هر کس از این سه نگاه، دانش و آگاهی ویژه‌ای را می‌طلبد. «(همان: ۳)

نگارنده بر آن است که این مسئله و مقوله ارتباط را با توجه به اهمیت آن در اشعار قیصر امین پور بررسی می‌کند. قیصر امین پور یکی از مهمترین و موثرترین شاعران در دوره انقلاب اسلامی، منتخب هفتمین همایش چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۷۸ و برکنیده اولین دوره جشنواره بین المللی شعر فجر در بخش آیینی بود. از به ادبیات نگاهی غیرمتعصبانه، علمی و عمیق داشت. دید او به شخصیت‌های ادبی و هنری قابل تأمل است. از مجموعه شعرهای او می‌توان: «دستور زبان عشق»، «گلها همه آفتاب گردانند» و «آینه‌های ناگهان» اشاره کرد. «قیصر، در حوزه شعر کودک و نوجوان نیز نامی آشنا است؛ اما مانند بعضی از شاعران، در این حوزه توقف زیادی نکرده و بیشتر توجه خود را به

نوجوانان معطوف داشته است. نمونه آثار او در بخش شعر نوجوان: «تنفس صبح» (۱۳۶۳)، «در کوچه انقلاب» (۱۳۶۳)، «شعرهای مثل چشمه»، «مثل رود» (۱۳۶۸)، «به قول پرستو» (۱۳۷۵) است. او در تجربیات شعری، پیرو شیوهٔ نیمایی است. تصاویر این اشعار، ذهنی و احساسی است و کشف‌های کلامی و ایجاد ترکیب‌های بدیع و نواز ویژگی‌های برجسته اشعار اوست. او به دلیل تلاش فراوان در مقام بیان حقیقت و کم کردن مرارت بشر و در عین حال حفظ ارزش سخن، شایستهٔ توجه است.

هوشیاری و دقت نظر امین‌پور، از او شاعری مضمون‌یاب و نکته‌پرداز ساخت. مضمون‌یابی، نکته‌پردازی او از نوعی نیست که وی را از واقعیت‌ها دور ساخته و نازک، انشایی‌های معماگونه (مانند شاعران سبک هندی) را به ذهن و زبانش راه دهد. ویژگی زبان او در عین سادگی و روانی، زیبایی چشمگیری دارد.

شعر قیصر ساده و روان و همه فهم است، اما کاربردش در صور خیال هم در شعر وی کم نیست. او شاعری حساس به وقایع اجتماعی و زندگی فردی است و بی اعتنا به هیچ یک از جنبه‌های زیستی نبرده است. شعر هر شاعری بازتاب عاطفه/عواطف منحصر به فردی است که آن شاعر در رویارویی با آن موضوع خاص دارد. . . برخورد و مواجهه شاعر با موضوعاتی که به تجربهٔ او در آمده یا در می‌آید (اعم از عناصر بیرونی او چون انسان، طبیعت و . . . یا عناصر مربوط به درون همچون مسئله

درد و رنج، تنهایی و... ) باید از منفذ و گذرگاه عواطف، احساسات و هیجانات او سرچشمه بگیرد؛ در این میان، نوع و کیفیت بیان آنان نیز با توجه به شرایط و عناصر مختلف همچون نسخ روانی، سن، جنسیت، احوالات روحانی، دارایی‌های فکری و آموخته‌ها و تجربیات درونی متفاوت خواهد بود. (گرجی: ۶۸، ۴۳، ۱۱ و ۶۹)

### پیشینه‌ی ارتباط‌های چهارگانه از گذشته تا امروز

قبل از اسلام هم در آثار یونان باستان می‌توانیم نشانه‌های این پژوهش را ببایم. افلاطون می‌گفت: کافی نیست نفوس فرزندان خود را از آلودگی‌ها پاک کنیم با نور علم، عقول آن‌ها را روشن سازیم و با پند و اندرز، روحیه‌ی فضیلت‌خواهی را در آن‌ها ایجاد نماییم، بالاتر از همه این‌ها، واجب است که اصول دین را در درون آنان — که طبیعت به ودیعت نهاده است — برویانیم. از اصول دین که منشأ اعتقادات قوی می‌گردد و میان انسان و خدا ارتباط ایجاد می‌کند... ایمان به وجود [خدا] پایه‌ی اساسی همه‌ی قوانین است... این عقاید به سه موضوع بر می‌گردد: وجود الله، نظارت او بر هستی و عدل خلق، او که هیچ تمایلی راه آن ندارد. انسان بدون این عقاید در این دنیا در تصادم کم می‌شود. قطعی است، هر کس که نمی‌داند از کجا آمده است و آن هدف کامل و مقدس — که باید نفس خود را در مسیر وصول و پیروی و اتکا به آن ریاضت بدهد چیست — منکر خویشتن است. (ارسطو، ۱۳۷۸: ۲۰) البته این دیدگاه همیشگی نبود. «پس از رنسانس، در غرب سیستم روابط

چهارگانه به هم خورد. با شکل‌گیری رئالیسم غیر سستی و علمی، دیدگاه تازه‌ای در زمینه تعامل‌های انسان ارائه شد. این دیدگاه که عنوان «رئالیسم جدید» را به خود اختصاص داده است، فطرت انسانی را انکار کرد، از تلقی مطالعات هستی‌شناختی به عنوان معبر خدا شناسی امتناع ورزید، در عین حال از خود شکوفایی در پناه علم تجربی سخن گفت. (سجادی، ۱۳۸۸: ۶)

ارتباط انسان با خداوند و منشأ وجود اساس ارتباطات دیگر است در واقع «نحوه تعریف و ارتباط ما با مبدأ هستی است که نحوه ارتباط و سرنوشت ما را در جهان، جامعه، سیاست، تاریخ، در ارتباط با دیگران و با محیط زیست و ... مان تعیین می‌کند. بدون در نظر گرفتن مراتب ارتباط انسانی با خداوند، ارتباط انسان با انسان نیز رشد نخواهد کرد. از آنجا که اسلام در تمامی مراحل تربیتی خود تکامل و رشد تعالی انسان را مد نظر دارد، پس فرآیند ارتباط انسانی نیز بر این اساس طرح‌ریزی نموده است. ... بررسی همه جانبه ارتباط انسان در مدیریت نیز لازم بوده و مطالعه و بررسی ابعاد ارتباط انسانی می‌تواند منبعی برای هدایت، زیست و در نهایت سعادت انسان شود.» (نادری نیا و اسد پور، ۱۳۹۳: ۲)

در حیطه ارتباط‌های چهارگانه آثاری پدید آمده است، مانند: «قرآن و بازتاب تربیتی روابط چهارگانه انسان»<sup>۱</sup>، «سنت و رابطه خالق و مخلوق

<sup>۱</sup> سجادی (۱۳۸۸)

در اندیشه علامه محمد محمد تقی جعفری و آیت الله جوادی آملی<sup>۲</sup>، «انسان و ارتباط‌های چهارگانه از دیدگاه علامه طباطبائی<sup>۳</sup>» و...؛ همچنین آثاری نیز در خصوص شعر و اندیشه قیصر امین پور به چاپ رسیده است، از جمله: «آیین آیین، خود را ندیدن است<sup>۴</sup>»، «آشنایی زدایی در اشعار قیصر امین پور<sup>۵</sup>»، «بررسی و تحلیل معنای زندگی در اشعار قیصر امین پور<sup>۶</sup>»، «مفهوم مرگ نزد قیصر امین پور در دوره نخست شاعری<sup>۷</sup>»، «آموزشی — تحلیلی؛ بررسی و ویژگی‌های فکری و زبانی اشعار قیصر امین پور<sup>۸</sup>» و...، اما در هیچ یک از این آثار این ارتباط‌های چهارگانه در اشعار قیصر مورد بررسی قرار نگرفته است. نگارنده نیز بر آن است با بررسی و واکاوی ارتباط‌های چهارگانه انسانی، علاوه بر درک بهتر اشعار این شاعر، راهی برای پیوند ادبیات فارسی و علوم تربیتی باز کند. این کتاب در چهار فصل به ارتباط‌های چهارگانه موجود در اشعار قیصر امین پور را با رویکرد تحلیلی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

---

<sup>۲</sup> نصری عبدالله؛ پور ایوانی (۱۳۹۷)

<sup>۳</sup> شاه علوی (۱۳۸۵)

<sup>۴</sup> گرجی و میری (۱۳۸۷)

<sup>۵</sup> شعبانی ششکل (۱۳۹۵)

<sup>۶</sup> گرجی و موسوی جروکاتی (۱۳۹۳)

<sup>۷</sup> فیروزیان و عظیمی پور (۱۳۹۳)

<sup>۸</sup> عمران نژاد (۱۳۹۵)